

فارسی نعت گوئی در دوره خلجی و تغلق

عنبرینه ارم*

چکیده:

ادبیات فارسی در شبه قاره مخصوصاً شعر فارسی تحولات زیادی داشته و در نتیجه رشد نموده است. تا دوره غزنویان مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قالب قصیده و مثنوی بود ولی در دوره های سلاطین دهلی و خلجی و تغلق در شبه قاره تحولاتی در نعت سرایی از لحاظ قالب و از حیث محتوای آن مشاهده می شوند و نعت شکل مستقلی می یابد. بسیاری از عرفای شبه قاره در آسمان ادبیات فارسی به عنوان نعت گو مانند ستاره درخشیدند، از جمله محمد بن احمد بن علی بخاری، امیر خسرو، حسن سجزی دهلوی، شرف الدین پانی پتی، سید محمد بن یوسف الحسنی دهلوی و ضیاء الدین نخشب بدایونی به عنوان عارف نیز شهرت دارند. در این مقاله علاوه بر زندگی نامه، آثار و شعر نعت گوینان نیز درج شده است.

واژه های کلیدی: ادبیات فارسی، شبه قاره، نعت گوینان، تغلق،

* دانشجوی دوره دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور۔

در نتیجه فتوحات عرب ها، ایران و فرهنگ ایرانیان بیشتر تحت تاثیر زبان عربی و اسلام آمد و انواع ادبی مانند حمد، نعت و منقبت گوئی بیشتر رواج پیدا کرد. در شبه قاره زبان فارسی با ورود غزنویان آمد و رشد یافت. ریشه های ادبیات فارسی در سرزمین شبه قاره چنان عمیق تر اند که بر تاریخ و فرهنگ و زندگی هنوز تصرف دارند. سلطان محمود غزنوی که اولین فرمانروای فارسی زبان در شبه قاره بود و کارهای گران قدر در حوضه ادبیات انجام داد. او را اغواء کننده علمای گویند بیش از چهار صد اهل قلم را جمع کرده بود (اکرام، ۱۹۷۵م، ص: ۶۱). شاعران نام آور آن زمان مانند ابو عبدالله روز به النکتی لاهوری، ابوالفرج رونی، مسعود سعد سلمان بیت ها در شان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله سروده اند. همین طور باگزشتن روزگار اهل علم و دانش و شعراء و ادباء از ایران و ماورالنهر به شبه قاره مهاجرت کردند بیشتر از اهل سخن و صوفیاء و عارفان در حضور سرکار دو عالم گلهای عقیدت را عرضه کردند.

شاعران دوره غوریه مانند حضرت خواجه بختیار کاکئی، حضرت خواجه معین الدین چشتی اجمیری، حضرت فریدالدین گنج شکر نعت گوینان بزرگ بودند. غوریان هم در حوزه نعت کارهای فوق العاده انجام دادند. اسم های فضل ملتانی، عمید سنمی، شیخ جمال الدین هانسوی می توان برد. در شبه قاره بعد از غزنویان و غوریان نوبت به عهد سلاطین می رسد.

دوره سلاطین دهلی پنج تا خانواده دارد. هر خانواده ویژگی های خودش دارد. بسیاری از نعت گوینان خوب فارسی متعلق به دوره خلجی هستند. معرفی کوتاه بسیاری از نعت گوینان دوره تغلق با نمونه های نعت در زیر درج می شوند.

۱- حضرت خواجه نظام الدین اولیاء:

سلطان الاولیا، سلطان السلاطین و خواجه، محمد بن احمد بن علی بخاری

ملقب به سلطان المشائخ نظام الدین اولیاء بود. نیا کان وی از بخارا به هند لاهور مهاجرت کردند. و چندی بعد به بدایون تشریف بردند و آنجا اقامت کردند. نظام الدین اولیاء (۵۶۳۱ هـ. ۵۷۲۵) در شهر بدایون چشم به جهان گشود (عبدالحق، ۲۰۰۴م، ص: ۱۲۹).

وقتی نظام الدین اولیاء پنج سالگی بود پدرش فوت کرد. مادرش، زلیخا بی بی، در همان شهر بدایون او را به مکتب فرستاد و تربیتش کرد. "آن وقت که قرآن را ازبر کرده با شیخ نجیب الدین متوکل (د: ۵۶۷۱) ساکن دهلی راه و رسم پیدا کرد و همراه ایشان در خدمت شیخ بابا فرید گنج شکر رفت" (قریشی، ۲۰۰۲م، ص: ۵۸۲).

نظام الدین مرید بابا فرید گشت (جامی، ۱۳۶۲م، ص: ۴۳۷). او با مرشد ارادت و عقیدت کامل داشت. پس طبق فرمان مرشد به دهلی رفت و در عنایت پور که بانام بستی 'نظام الدین اولیاء' معروف است سکونت اختیار کرد و سلسله رشد و هدایت را شروع کرد. خواجه نظام الدین در ۷۲۵ ق فوت کردند (قریشی، ۲۰۰۲م، ص: ۵۸۲) و همین جا مدفون شد. مرقدش زیارت گاه خواص و عام است.

مریدان و پیروانش بسیارند ولی امیر حسن سجزی و امیر خسرو مقام خاصی دارند و خواجه صاحب هم به این دو تالفتات خاص فرمودند. اینک نمونه زرریر نعت گویی نظام الدین اولیاء است. چون از هند تا مدینه راه دور است نظام الدین به دست صبا پیغام می دهد تا زودتر آنجا برسد و فریضه قاصد عاشق صادق را انجام بدهد.

نمونه آیات نعتیه:

صبا به سوی مدینه رو کن، ازین دعا گو سلام برخوان
بگرد شاه مدینه گردو بصد تضرع پیام برخوان

بنه بچندین ادب طرازی، سرارادت به خاک آن کو
صلوة وافر به روح پاک جناب خیرالانام برخوان
به لحن داؤد همنواشو، به ناله درد آشنا شو
به بزم پیغمبر این غزل رازعبد عاجز نظام برخوان
(صابری، ۱۹۳۵م، ص: ۲۹۹؛ اوج، ۱۹۹۳م، ص: ۸۳)

۲- امیر خسرو:

امیر خسرو معروف به طوطی هند ملقب به یمین الدوله در ۶۵۱ هـ ق به مقام پتیالی متولد شد (جامی، ۱۳۶۲م، ص: ۵۲۲) اسم پدرش امیر سیف الدین محمود از قبیله لاجین بود. و در زمانی که چنگیز خان تحاجم کرد و به طرف پتیالی مهاجرت کرد و بعد از آن به دهلی آمد. تحصیلات مقدماتی خودش از پدرش فرا گرفت او بر زبان فارسی تسلط کامل داشت. وقتی سنش هشت ساله بود شعر گویی را آغاز کرد. خسرو به دست نظام الدین اولیاء بیعت کرد و با مرشد خود ارادت و محبت کامل داشت. صاحب اخبار الاخیار یعنی عبدالحق محدث دهلوی نوشته است که خسرو سن صد سال کرده بود و بمطابق ایشان ۶۲۵ هـ مولدش و ۷۲۵ هـ سن وصالش بود (عبدالحق، ۲۰۰۴م، ص: ۲۲۰) امیر خسرو بعد از وصال مرشد کامل خواجه نظام الدین اولیاء فقط شش ماه زیست و همیشه این مصرع رازمزمه می کرد و گریه می کرد، "دجامه در آن چشم چکان خون دل روان" (کرمانی، ۱۳۹۸ هـ، ص: ۳۰۳). امیر خسرو اولین و آخرین بوده که جواب خمسه نظامی داده. پنج مثنوی که در تقلید خمسه نظامی سروده اینطور اند:

مطلع الانوار، شیرین و خسرو، مجنون و لیلی، آئینه سکندری، هشت بهشت.

دیوان خسرو:

۱. تحفة الصغر، ۲- وسط الحیوة، ۳- غرة الکمال، ۴- بقیه نقیه، ۵- نهاية الکمال

تعداد تصنیفاتش نزدیک نودونه اند (جامی، ۱۳۶۲م: ص ۵۳۲). امیر خسرو جانشین خواجه نظام الدین اولیاء بود.

مزار امیر خسرو در دهلی جایگاه خاص و عام است (احمد، ظهورالدین، ۱۹۷۲م، ص: ۲۱۷). (خسرو عاشق صادق پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. باز یاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم مشرف شد (جامی، ۱۳۶۲ه، ص: ۵۳۲). وان چاشنی و وارفتگی که در کلامش بود همان نظاره و دیدار آن ماه مبین بود که تا هنوز کلامش بر آسمان ادب می تابد. اشعار نعتیه هم اینطور اند. درباره عشق خسرو گفته بود، "چنانکه حرارت خاصه آتش است و در دل های نرم چون آتش در پنبه گیرد و دل آهنین را قدری نرم سازد و اگر دلیست که در و عشق جای ندارد نیک بسوزاند و خاکستر گرداند" (خسرو، ۱۹۵۷م، ص: ۴).

نمونه ابیات نعتیه:

سنت عشاق نیست دل به هوس داشتن
قالب خاکی چو باد همزه خس داشتن
زندگی مرد چیست خواب نهادن ز سر
پس چو برون رفت خواب پاس نفس داشتن
سنگ فگندن بود در صف مردان عیب
دانه تسبیح را دام هوس داشتن
همت درویش بس خلد، می و انگبین
بند زر آنگه درو شیر مگس داشتن
گندم آدم مجوی کز صفت مصطفی صلی الله علیه و آله است
همچو یتیم خلیل طاس عدس داشتن

میم که در احمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ست چون بخرد بنگری
هست بنقش احد خاتم پیغمبری صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

(خسرو، ۱۹۵۷م، ص: ۱۳)

این نمونه نعتِ خسرو ترجیع بند است. شش تا بند دارد.

۳- حسن سجزی دهلوی:

نجم الدین حسن بن علاء سجزی در دهلی (بدایون) در ۵۶۶۰ متولد شد و در سال ۷۳۶ هجری فوت کرد (عبدالحق، ۲۰۰۴، ص: ۲۲۳) حسن اول در خدمت سلطان محمد ابن غیاث الدین بلبن در ملتان بود و بعد در دربار سلطان علاؤ الدین خلجی جایی گرفت. حسن سجزی در غزل گویی معروف بود. اورا سعدی هند هم می گویند. او از مریدان خواجه نظام الدین اولیاء بود و ملفوظات خواجه را به نام "فوائد الفواد" مرتب کرده. با امیر خسرو هم عقیدت و ارادت داشت. حسن همراه محمد تغلق دهلوی را ترک کرد و به پایتخت (دیو گر دولت آباد) آمد. و آخرین ایام اینجا بسر کرده و همین سال ۷۳۸ هجری بمطابق ۱۳۳۷ م ازین جهان رفت (احمد، ظهورالدین، ۱۹۷۲م، ص: ۲۲۵). (حسن سجزی قصائد، غزلیات، ترجیحات، و رباعیات نوشته بود. در قالبِ مثنوی هم طبع آزمائی کرد. عشقِ حقیقی در روح و جانش سرایت کرد و زندگی مجرد گزاشت. شعر او سر تا سر سفیر عشقِ محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

نمونه ابیات نعتیه :

روی خوب تو والضحیٰ گفتم
زلف و الیل اذا سجیٰ گفتم
سرو خواندم، قدت غلط خواندم
مشک گفتم، خطت، خطا گفتم

خواستم گفتم، نعت تو بسیار
همه گفتم، چو مصطفی ﷺ گفتم
ای سزاوار صد چنین مدحت
عفو کن، هر چه ناسزا گفتم
آستان تو، آسمان دعاست
هم ازین جامنش، دعا گفتم
حسن از پا در آمدست عظیم
ای سرسرو روان ترا گفتم

(سجزی، ۱۹۹۰م، ص: ۹)

۴- بو علی قلندر:

شیخ شرف الدین بو علی قلندر معروف به شرف الدین پانی پتی (فضل حق، ۲۰۰۸م، ص: ۱۲۳) نسب او به امام اعظم ابو حنیفه نعمان بن ثابت، پایه گذار فقه حنفی می رسد (فقری، ۲۰۰۵م، ص: ۲۵۷). پدرش سالار فخر الدین هم صوفی بود. از (کرمان) عراق هند کوچید و با خواهر سید نعمت الله صاحب همدانی کرمانی ازدواج کرده بو علی از همین مادر زاده شد. شیخ شرف الدین بو علی قلندر به مقام پانی پت ۵۶۵۲ متولد شد و سال ۵۷۲۴ فوت کرد (عبدالحق، ۲۰۰۴م، ص: ۲۷۹).

با مولانا جلال الدین رومی و شمس تبریز عقیدت واردات خاص دارد. بو علی قلندر از مریدان خواجه قطب الدین بختیاراوشی بود. شیخ ابو علی در پانی پت ساکن شد و بزرگ شده. تحصیلات مقدماتی همانجا فرا گرفت و بعد به دهلی رفت برای تکمیل تحصیلات خود شیخ بسیار ریاضت و مجاهده کرده بود، و به برکت وجود و کراماتش هندوهای پانی پت هم مسلمان شدند. در کرنال علاقه ای که

نزدیک پانی پت وجود دارد گاهی ابو علی آنجا هم رفت و سکونت کرد. وقتی ایشان فوت کردند در کرنال به خاک سپرده شد. نوشته اند که خویشان او جنازه اش را به پانی پت بردند و آنجا دفن کردند (صلاح الدین، ۱۹۷۲م، ص: ۷۸). بر این هر دو جا آرامگاه وی موجود است که مرجع خلائق است. ابو علی شعر و نثر هر دو را دوست داشت به همین علت ایشان در هر دو حوضه طبع آزمائی کرد. نوشته های سلوک و سروده های صوفیانه دارد. در عشقِ نبی ﷺ مستغرق بود و ذکرِ محبوب را سعادت می دانست و در نعت جا به جا قبال دارد فقط ذکرِ رسول ﷺ قلب و جانش را قرار می دهد.

نمونه ای از نعت وی در زیر درج می شود:

ای ثنناییت رحمة اللعالمین
یک گدای فیض تو روح الامین
ای که نامت را خدای ذوالجلال
زد رقم بر جبهه عرش برین
آستان عالی تو بی مثل
آسمانی هست بالائی زمین
آفرین بر عالم حسن تو باد
مبتلای تست عالم آفرین
یک کف خاک از در پر نور او
هست ما را بهتر از تاج و نگین
خرمن فیض ترا ای ابر فیض
هم زمین و هم زمان شد خوشه چین
از جمال تو همی بینم مساء

جلوه در آئینننه عین الیقین
خلق را آغاز و انجام از تو هست
ای امام اولین و آخرین
غیر صلوة و سلام و نعت تو
"بوعلی" را نیست ذکر دلنشین

(قلندر، ۲۰۰۴م، ص: ۲۸۱)

۵- سید محمد یوسف گیسو دراز:

سید محمد بن یوسف الحسنی دهلوی، معروف به خواجه بنده نواز و گیسو دراز در دهلی ۷۲۱ ه تولد یافت (عبدالحق، ۲۰۰۴م، ص: ۲۸۴)

او عارف کامل سلسه چشتیان بود. نیاکانش از هرات بودند ولی ایشان به هند مهاجرت کردند، و در شهر دهلوی سکونت اختیار کردند. وقتی سلطان محمد بن تغلق پایتخت خود را دولت آباد ساخته همه علماء و مشایخ دهلوی را فرمود که به دولت آباد بروند. سیدیوسف الحسنی دهلوی که پدر بزرگوار صدرالدین بود ناچار با خانواده اش به دولت آباد کوچید. گیسو دراز تحصیلات مقدماتی خود را در دولت آباد فرا گرفت. بعد از مرگ پدر و مادرش او به دهلوی بازگشت و علوم ظاهری و دینی را دسترس کامل گرفت. در تصوف با شیخ نصیرالدین چراغ دهلوی ارادت داشت و خلیفه او هم شد (عبدالحق، ۲۰۰۴م، ص: ۲۸۶). (وقتی تیمور به دهلوی حمله آورده از آنجا به دکن رفت. در شهر گلبرگه مدفنش است. گیسو دراز در ۸۲۵ ه فوت کرد (احمد، اقبال الدین، ۱۹۶۶م، ص: ۲۰۱؛ فقیری، ۲۰۰۵م، ص: ۳۳۹).

سید محمد بر زبان فارسی، عربی، سنسکرت و هندی دسترس کامل داشت. شمار آثارش را صد و پنج (به شمار سالیان زندگی اش) وقتی صد و بیست پنج است

گفته اند. گیسو دراز در شعر سرودن و در نثر نوشتن به زبان فارسی مهارت داشت و موضوعات صوفیانه را دوست داشت. او می گفت شریعت و طریقت یکی است و می کوشید شریعت و طریقت به هم پیوند دهد. در ابیات گیسو دراز توحید و مناجات خداوند متعال، حب رسول ﷺ و ستایش اصحاب رسول ﷺ فراوان دارد.

نمونه ابیات نعتیه:

بالال حبش بلبل دام او
اویس یمن بنده نام او
از احسان او کعبه را فتح یاب
ز فیض کفش یافت ز زمزم آب

(گیسو دراز، ۱۳۶۰م، ص: ۲)

گیسو دراز در دیباچه، دیوان انیس العشاق این طور گفته است...
ای خداوندی که آدم شد مثال ذات تو
چون محمد ﷺ خود برآمد دود خوش از چوب عود
ای خداوندی که جودت نیست جز عین وجود
عین تو در عین احمد ﷺ خویشان را وانمود

(گیسو دراز، ۱۳۶۰م، ص: ۶)

معشوقه من ز نسل آدم نیست

حوری ست پرست یا خود آنهم نیست
روح القدس است روح روحیست
نوری متمثل است مجسم نیست
در وصف چگونگی و چونی
جز نقطه سر اسم اعظم نیست

حال و لب و شب است و روز است
دیدى شب و روز را فراهم نیست
شادى ز پسِ غم است و غم از پس او
هر يك زدگر جدا و باهم نیست
مرا همه غم است و شادى نیست
او را همه خورمى است و غم نیست
هان بو الفتح شاد باش و حرم
معشوقه من ز نسلِ آدم نیست

(گیسو دراز، ۱۳۶۰م، ص: ۲۲)

۶. ضیاء الدین نخشبی بدایونی:

ضیاء الدین نخشبی اهل نخشب بود. او در بدایون زندگی مجرد و زهد گزاراند. وقتى مغولان به ایران ته تیغ کردند ضیاء الدین از بخارا به بدایون مهاجرت کرد (شبلی، ۱۹۸۷م، ص: ۱۷۴) نخشبی شاعر بزرگ زبان فارسی بود. در نظم و نثر بلند مرتبه دارد. تصنیفاتش عشره مبشره، طوطی نامه، سلك السلوك و کلیات و جزئیات در نظر اهل علم و ادب مقام بلند دارد (عبدالحق، ۲۰۰۴م، ص: ۲۲۹) ولى ایات او هم فوق العاده بود. کتابی که چاپ شده بنام گلریز نصفش منظوم بود (فضل حق، ۲۰۰۸م، ص: ۱۲۲) ضیاء الدین نخشبی در ۷۵۱ هـ فوت کرد (عبدالحق، ۲۰۰۴م، ص: ۲۲۹).

نمونه ایات نعتیه:

پیامی دارم و بس خوش پیامی
که خواهد برد از مایک سلامی؟
بسوی روضه پاک رسولی ﷺ

که بی او عرش را نبود قبولی
به مدح محمدت محمود عالم
محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن که شد مقصود عالم
جهان را راه حق بنموده او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مکان و لامکان پیموده او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
سروش از غشایشه داران آن در
رواق بی ستون ایوان آن در
سواد انسی و جانسی گرفته
به تیغ خضر سلطانی گرفته
کشاده کارهای پیچ در پیچ
بچشم همتش عالم همه هیچ
به پیشش شیر شرزه میش پیشه
دو عالم را شه درویش پیشه
ضیای نخشی باشد غلامش
جهان زد سکه شاهی بنامش

(نخشی، ۵۱۳۸۸، ص: ۲)

نخشی بعد حمد و نعت نبی
سخنی کان مطابق است آن گو
گرچه ناموس ها بسی داری
هرچه اینجا موافق است آن گو

(نخشی، ۵۱۳۸۸، ص: ۱۸)

کتاب شناسی و منابع:

- احمد، اقبال الدین، ۱۹۶۶م، تذکرہ خواجہ گیسو دراز معہ تلخیص تصنیفات و ملفوظات، اقبال پبلشرز، کراچی.
- احمد، ظہور الدین، ۱۹۷۱م، تاریخ ادبیاتِ مسلمانانِ پاکستان و ہند: جلد ۳، پنجاب یونیورسٹی، ص ۷۲.
- اکرام، محمد شیخ، ۱۹۷۵م، آبِ کوثر، ادارہ ثقافتِ اسلامیہ لاہور.
- اوج: نعت نمبر، ۱۹۹۳م، ج: ۱، گورنمنٹ کالج شاہدرہ، لاہور.
- جامی، عبدالرحمن، ۱۳۶۲م، نفحات الانس.
- خسرو، امیر، ۱۹۵۷م، کلیات عناصرِ دوآوین خسرو، مطبع نامی منشی نول کشور، ٹورونٹو یونیورسٹی، پی ڈی ایف.
- زاہد، صادق، ۲۰۱۰م، فارسی کے عظیم صوفیائے کرام، دارالشعور، محکمہ اوقاف لاہور پنجاب.
- سنجرى، حسن، ۱۹۹۰م، دیوان حسن سنجرى، عرفان روشنیہ، ترتیب دہندہ و مولف پیش گفتار لالہ سلامت شاپوا.
- سلامی، ڈاکٹر نور محمد ربانی، ۲۰۱۲م، کشف العرفان، گنج شکر پریس.
- شبلی، صدیق، ۱۹۸۷م، فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ.
- صابری، مودودی، نور الحسن، ۱۹۳۵م، نغمات سماع.
- صلاح الدین، اقبال، ۱۹۷۲م، حضرت بو علی قلندر، سنگ میل پبلی کیشنز، لاہور.
- عبدالحق دہلوی، شیخ محدث، ۲۰۰۴م، اخبار الاخیار، اکبر بک سیلرز.
- فقری، عالم، ۲۰۰۵م، تذکرہ اولیاء ہندوستان (اول)، ادارہ پیغام القرآن، لاہور.
- فضل حق، قاضی، ۲۰۰۸م، سخنوران برصغیر، سنگ میل پبلیکیشنز.

- کرمانی، سید محمد مبارک، ۱۳۹۸م، "میر خورد"، سیر الاولیاء، ترجمہ غلام احمد بریان، الکتاب لاہور.
- قریشی، ڈاکٹر اسحاق محمد، ۲۰۰۲م، برصغیر پاک و ہند میں عربی نعتیہ شاعری.
- قلندر، بوعلی، ۲۰۰۴م، دیوان بوعلی قلندر، ترجمہ و شرح حکیم مطیع الرحمن قریشی نقشبندی، ضیاء القرآن پبلی کیشنز، لاہور کراچی.
- گیسو دراز، صدر الدین ابوالفتح سید محمد حسینی چشتی، ۱۳۶۰ھ، انیس العشاق، مولوی حافظ سید عطا حسین، عہد آفرین برقی پریس، حیدر آباد دکن .
- علی شیر نوائی، میر نظام الدین، ۱۳۶۳م، تذکرہ مجالس النفائس، ج: ۱، منوچہری.
- ماہنامہ الرشید: نعت نمبر، ۱۱۴۱ھ، مکتبہ رشیدیہ لاہور.
- نقوش: رسول نمبر، ۱۹۸۴م، طبع اول، ج: ۱۰.
- نخشبئی، ضیاء الدین، ۱۳۸۸ھ، جزئیات و کلیات (چہل ناموس) معروف بہ ناموس اکبر، دکتر محمد علی موذنی، انجمن آثار و متاخر فرهنگی، تہران .